

۹۵۱
۱۲۱۷۸۸۱

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق
ایران و انگلستان

دکتر محسن شریفی
استادیار موسسه آموزش عالی طبهرستان



سرشناسه : شریفی، محسن، ۱۳۴۹-
 عنوان قراردادی : ایران. قوانین و احکام - انگلستان. قوانین و احکام
 عنوان و نام پدیدآور : مسوولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان / محسن شریفی
 مشخصات نشر : تهران: نشر میزان: ۱۳۹۴
 مشخصات ظاهری : ۳۸۴ ص
 فروست : علوم اجتماعی؛ ۸۵۶
 شابک : 978-964-511-655-0
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 موضوع : مسوولیت جزایی -- ایران
 روضی : مسوولیت جزایی -- انگلستان
 موضوع : حقوق تطبیقی
 رده بندی دکر : ۳۸۷۸/ش ۳۸۵ KMH
 رده بندی دیویی : ۳۴۵/۰۴۵۵
 شماره کتابشناسی : ۳۷۴۰۰۴۵

هرگونه تکثیر (اعم از چاپ، فیزی، الکترونیکی و...) از این اثر بدون اخذ مجوز از ناشر خلاف قانون، مجاز نیست و پیگرد قانونی دارد.
 لطفاً در صورت مشاهده، موارد به شماره تلفن های ذیل اطلاع دهید.

۸۵۶

نشر میزان

مسوولیت کیفری اشخاص حقوقی

در حقوق ایران و انگلستان

دکتر محسن شریفی

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۴

قیمت: ۱۹۰۰۰ تومان

شماره: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۱-۶۵۵-۰

دفتر مرکزی: خ شهید بهشتی، بعد از چهارراه سهروردی، خ کاوسی فر، کوچه نکبسا، پلاک ۳۲، تلفن ۸۸۵۳۹۱۳۱

فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، رویروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخرآزی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۴۶۷۷۷۰

واحد پخش و فروش: خیابان سمیه، بین مفتح و فرصت، پلاک ۱۰۴، تلفن ۸۸۳۴۹۵۲۹-۳۱

پست الکترونیکی: mizannasher@yahoo.com وب سایت: www.mizan-law.ir

فهرست مطالب

سر آغاز	۹
مقدمه	۱۳
فصل اول - مفاهیم مقدماتی، تحولات تاریخی	۲۷
۱-۱. مفاهیم مقدماتی	۲۸
۱-۱-۱. مسئولیت	۲۸
۲-۱. تحولات تاریخی مسئولیت کیفری شخص حقوقی	۶۷
۱-۲-۱. حقوق ایران	۶۷
۲-۲-۱. حقوق انگلستان	۹۸
۳-۲-۱. اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی	۱۱۰
فصل دوم - دیدگاه‌ها و استدلال‌ها و سازوکارهای انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی	۱۲۵
۱-۲. دیدگاه‌ها و استدلال‌ها	۱۲۵
۱-۱-۲. دیدگاه‌های مخالفان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و ارزیابی آن‌ها	۱۲۶
۲-۱-۲. توجیه‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی	۱۴۶

۱۶۷	۳-۱-۲. اشخاص حقوقی تابع حقوق کیفری
۱۸۳	۲-۲. سازوکارهای انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی
۱۸۵	۱-۲-۲. نظریه‌ی مسئولیت نیابتی
۱۹۲	۲-۲-۲. نظریه‌ی برابر انگاری (شخصیت ثانوی)
۲۰۳	۳-۲-۲. نظریه‌ی مسئولیت مافوق و کارفرما
۲۱۳	۴-۲-۳. نظریه‌ی تجمع
۲۲۵	۵-۲-۲. نظریه‌ی مسئولیت سازمانی
۲۴۳	۶-۲. نظریه‌ی قدرت و پذیرش
۲۴۶	۷-۲. ارزیابی نهایی
۲۵۳	فصل سوم - ضمانت اجرای کیفری جرایم اشخاص حقوقی
۲۵۴	۱-۳. هدف‌های ضمانت اجرای کیفری
۲۵۵	۱-۱-۳. پیامد گرایی
۲۷۳	۲-۱-۳. سزادهی یا سزاگرایی
۲۸۱	۲-۳. مصداق‌های ضمانت اجرای کیفری
۲۸۲	۱-۲-۳. ضمانت اجرای مالی
۳۰۸	۲-۲-۳. ضمانت اجرای غیرمالی
۳۳۹	فصل چهارم - نتیجه‌گیری و پیشنهادها
۳۳۹	۱-۴. نتیجه‌گیری
۳۴۶	۲-۵. پیشنهادها
۳۵۳	فهرست منابع و مآخذ
۳۵۳	الف) منابع فارسی
۳۵۳	الف (۱) - کتاب‌ها
۳۶۱	الف (۲) - مقاله‌ها، پایان نامه‌ها و تقریرها

الف - ۳) آراء.....	۳۶۶
الف - ۴) سایت‌های اینترنتی.....	۳۶۸
ب) منابع انگلیسی.....	۳۶۸
ب - ۱) کتاب‌ها.....	۳۶۸
ب - ۲) مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها.....	۳۷۴
ب - ۳) آراء.....	۳۷۸
ب - ۴) منابع اینترنتی.....	۳۷۹

سر آغاز

هر که دل آرام دید، از دلش آرام رفت
چشم ندارد خلاص هر که در این دام رفت
گر به همه عمر خویش با تو برارم دمی
حاصل عمر آن دم است، باقی ایام رفت
(سعدی)

ورود اشخاص حقوقی به جرگه‌ی تابعان حقوق کیفری نه به سادگی، بلکه به دشواری و پس از تعیین تکلیف سه موضوع ممکن گردیده است. اولین موضوع، ناظر به ضرورت مسئولیت دفین اشخاص مزبور است. این مهم، پس از انقلاب صنعتی و احراز عدم تکافوی ضمانت احرارهای غیر کیفری در کنترل فعالیت‌های خطرناک اشخاص حقوقی بیش از پیش آشکار گردید. فرآیند توسعه و رشد فن‌آوری در افزایش تعداد اشخاص حقوقی و پرنگ‌تر کردن نقش آن‌ها در بسیاری از شئون اجتماعی و رفاه عمومی و به همین میزان در افزایش مصائب ناشی از فعالیت‌های مجرمانه‌ی این اشخاص سهم به سزایی داشت. مقابله با این خطری که به تدریج در اختیار اشخاص حقوقی به عنوان قدرت‌های مدرن اجتماع قرار گرفت، مداخله‌ی حقوق کیفری و استفاده از ابزار مجازات را ناگزیر ساخت. دومین موضوع، مربوط به چگونگی انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی است. نظام‌های کیفری از جمله انگلستان برای غلبه بر این مشکل، سازوکارهای مختلفی را در ادوار مختلف به‌تواتر آزمایش برده‌اند. در قرن نوزدهم و در برهه‌ای که اشخاص حقوقی همچنان موجوده‌ای فرضی و فاقد ادراک و اختیار توصیف می‌شدند، مسئولیت آن‌ها در برابر جرایم با مسئولیت مطلق که بر پایه‌ی ترک فعل استوار بودند، به رسمیت شناخته شد. در گام بعدی، از نظریه‌ی مسئولیت نیابتی برای انتساب جرایم مبتنی بر فعل به اشخاص حقوقی بهره گرفته شد. این نظریه به طور غیرمستقیم و از طریق رفتار مجرمانه‌ی کارمندان، قائل به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی گردید. این مسئولیت نیز به جرایم با مسئولیت مطلق بازگشت داشت. در ادامه و باهدف توسعه‌ی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به ورای جرایم با مسئولیت مطلق، نظام کیفری انگلستان با اتکا به نظریه‌ی برابری انگاری، فعل‌ها و قصدهای مدیران، و نظام کیفری آمریکا با رجوع به نظریه‌ی مسئولیت مافوق و

کارفرما، و نظام کیفری هلند با توسل به نظریه‌ی قدرت و پذیرش، فعل‌ها و قصدهای مدیران و کارمندان را به اشخاص حقوقی منتسب کردند. راه‌کارهای مذکور به رغم ارزشمند بودن، معضل مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی بزرگ را که شناسایی فرد دارای مسؤلیت کامل در ساختار پیچیده‌ی آن مشکل است، لاینحل باقی گذاردند. نظام کیفری انگلستان برای فروگشایی از این مشکل - البته در زمینه‌ی قتل غیر عمد - به نظریه‌ی نوین مسؤلیت سازمانی متوسل گردید و اشخاص حقوقی را مستقل از مسؤلیت فردی اعضای آن، مسؤل شناخت. نظام کیفری ایران نیز به موجب ماده‌ی (۱۴۳) قانون مجازات اسلامی، مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی را به صورت عام و با توسل به اصل نمایندگی مورد پذیرش قرار داده است. به این ترتیب، مسؤلیت اشخاص حقوقی در قانون مورد اشاره از ره‌گذر احراز تقصیر کیفری فردی و انتساب آن به شخص حقوقی سرگردیده است. بدین سان، عدم تمایل قانون‌گذار ایران به استفاده از مدل‌های مختلف انتساب مسؤلیت به اشخاص حقوقی، نقصانی است که پیش‌بینی می‌شود رویه‌ی ضامن‌ها را به چالشی جدی بکشانند.

موضوع سوم، راجع به ضمانت اجرای کیفری قابل اعمال بر اشخاص حقوقی و تأثیر آن‌ها بر تأمین هدف‌های مجازات است. در این خصوص سه دیدگاه قابل تأمل است. دیدگاه نخست مربوط به مخالفان مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی است که مخالفت خود را بر پایه‌ی عدم تأمین هدف‌های مجازات مدلل نموده‌اند. دیدگاه دوم معطوف به برخی از موافقان مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی است که در بین هدف‌های مجازات، فقط هدف بازدارندگی را قابل تحقق می‌دانند. دیدگاه سوم متصل به اندیشه‌ی دیگر موافقان این مسؤلیت است که قائل به تحقق کلیه‌ی هدف‌های مجازات اعم از سزا دهی، بازدارندگی، اصلاح، ناتوان‌سازی و حمایت از بزه دیده در حق اشخاص حقوقی است. دیدگاه اخیر با توجه به ماهیت مستقل اشخاص حقوقی و تنوع ضمانت اجرای کیفری قابل اعمال بر آن‌ها، موجه‌تر به نظر می‌رسد. نظام کیفری انگلستان به رغم در اختیار داشتن مهم‌ترین مدل‌های انتساب مسؤلیت کیفری به اشخاص حقوقی، به ضمانت اجرای معدودی چون جریمه‌ی نقدی، انتشار حکم محکومیت و اصلاح وضعیت جرم‌زا بسنده کرده است. برعکس، نظام کیفری ایران، به رغم در اختیار داشتن مدل‌های معدود انتساب مسؤلیت - با تأسی از نظام کیفری فرانسه - ضمانت اجرای متنوع‌تری را از جمله ممنوعیت از انجام معاملات دولتی،

ممنوعیت از افزایش سرمایه، مصادره‌ی اموال، ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری به خدمت گرفته است. این تحقیق بر آن است تا اولاً، دیدگاه‌ها و استدلال‌های ناظر به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، سازوکارهای انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص مزبور و نیز نظام ضمانات اجرای کیفری آن‌ها را مورد ارزیابی قرار دهد؛ ثانیاً کاستی‌های نظام کیفری ایران را در این خصوص آشکار و برای فروگشایی از آن‌ها ارایه‌ی طریق کند.

در این مجال بر خود فرض می‌دانم که از استاد فرزانه و گرانمایه جناب آقای دکتر محمد جعفر بیب‌زاده که با درایت، نکته‌بینی و راهنمایی‌های ارزنده‌ی خود، این‌جانب را در طول نگارش این اثر استعانت نمودند، به غایت سپاس‌گزاری نموده و اذعان نمایم که اگر ارشادهای نظر شما و شرف‌نگری‌های ایشان چه در زمینه‌ی ماهوی و چه در زمینه‌ی شکلی تحت‌مذکور نبود، تلاش صورت گرفته به سرانجام مطلوب ختم نمی‌گشت. افزون بر این داشتن روحه‌ی پیگیری، سخت‌کوشی و نظم کاری و به‌طور کلی داشتن همتی بلند، آموزه‌ی بزرگی است که در محضر این استاد گرانقدر به بنده آموخته و در این مسیر به‌کار گرفته‌اند.

همچنین شایسته است که استاد گرانمایه جناب آقای دکتر محمد فرجیها نیز که در به منصفی ظهور رسیدن این مجموعه این‌جانب همراهی نموده و در زمینه‌ی تحلیل کیفرشناختی موضوع و نیز معرفی منابع ذیربط از هیئت‌مدته دروغ نوزیدند، قدردانی کنم. از دیگر استادان مشاوره‌ی که سهم بسزایی در پیش‌برد مجرعه‌ی حاضر و تقویت قسمت‌های تحلیلی آن ایفا نمودند، آقای دکتر محمد عیسائی نرزش هستند که به حق باید از ایشان تشکر نمود. تحلیل مدل مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بر پایه‌ی تبیین رابطه‌ی حقوقی میان مدیران و اشخاص حقوقی و نیز تحلیل مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پس از واقعه‌ی تبدیل و ادغام، در پرتوی حضور نگارنده در کلاس‌های پرمغز درس این استاد برجسته و نیز استفاده از کتاب‌ها و مقاله‌ها و گفت و گو با ایشان میسر گردید.

روی دیگر سخن نگارنده معطوف به استاد برجسته علوم جنایی کشور آقای دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی و تشکر برخاسته از ژرفای قلبم نسبت به این دانشمند بزرگ است که موضوع مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را جهت تدوین این پژوهش به بنده پیشنهاد نمودند و صلاح بنده را تفحص در این حوزه دانستند. اکنون که این

تحقیق به فرجام خود رسیده است، بیش از هر زمان دیگر به ارزش پیشنهاد حضرت استاد مدبرکم و از این جهت خداوند منان را ثنا می‌گویم. به همین ترتیب ضروری است که از استاد فرزانه و ارجمند جناب آقای دکتر جلیل امیدی نیز به جهت ارشادات دقیق و نکته بینانه و مطلب‌های مطروحه قدردانی کنم. بی‌شک مطلب‌ها و نکته‌های مورد اشاره ایشان سهمی بزرگ در تعمیق مفاهیم اساسی موضوع تحقیق به‌ویژه در زمینه تأثیر ادغام اشخاص حقوقی در مسئولیت کیفری آن‌ها و نیز تحلیل عمیق ماده‌های (۲۰) تا (۲۲) و (۱۴۳) قانون مجازات اسلامی ایفا نموده است. به‌علاوه، حوصله زیاد این استاد عزیز در پاسخ‌گویی به پرسش‌های ذهنی‌ام در زمان‌های مختلف چه به‌صورت حضوری و چه در گفت‌وگوی تلفنی بر من تکلیف می‌کند که به‌غایت از ایشان تشکر نمایم و قدردان الطافشان باشم.

از جمله استادی دیگری که با بیان دیدگاه‌های ارزنده خود، ابهام‌های ذهنی بنده را در زمینه مبانی نظری مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مرتفع نمودند، جناب آقای دکتر محمود صابر هستند که با ابراز حسن تقدیر خود را نیز نسبت به ایشان ابراز دارم. سرانجام، وظیفه‌ی خود می‌دانم که، شخصیت برجسته علمی و فاضل کشور جناب دکتر غلام‌حسین الهام که به‌رغم مشغولیت کثیر علمی و اجتماعی اجازه دادند به کرات و به دفعات در دفترشان حضور یافته و پرسش‌های علمی خود را در زمینه‌های مختلف موضوع، خاصه ضمانت اجراهای جرایم اشخاص حقوقی مطرح نموده و از پاسخ‌های راه‌گشایشان استفاده کنم، تقدیر می‌نمایم.

در مجموع امیدوارم مبحث‌ها و مطلب‌های این تحقیق که با ایده‌ی نوظهور قانون مجازات اسلامی یعنی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به‌عنوان یک قاعده، به‌بوت‌هی تحلیل برده و جهت غنای بحث آن را با نظام کیفری انگلستان مقایسه کرده است، از منظر علاقه‌مندان تحقیق در این حوزه به‌ویژه جامعه‌ی دانشگاهی مفید به‌فایده واقع شود. البته تردیدی نیست که نقطه نظر‌ها و نکته‌سنجی‌های نقادانه‌ی خوانندگان فرهیخته، خواهد توانست نقص‌ها و کاستی‌های این پژوهش را آشکار، و اثر خود را در چاپ‌های بعد بر جای گذارد.

محسن شریفی

پاییز ۱۳۹۴

برخلاف، مسؤولیت مدنی اشخاص حقوقی که دیر زمانی است به یک موضوع مانوس، پذیرفته شده و بی مناقشه در حقوق مدنی تبدیل شده است، مسؤولیت کیفری آنها در حقوق کیفری موضوعی نوظهور و پر مناقشه محسوب می شود. در برابر این پرسش تاریخی که آیا اشخاص حقوقی می توانند در زمره ی تابعان حقوق کیفری قرار گیرند یا خیر، پاسخ یکسانی داده شده است. برخی با توجیه هایی چون عدم امکان اعمال بسیاری از ضمانات اجراهای چون اعدام، حبس و تبعید در حق اشخاص حقوقی، نقض اصل شخصی بودن مجازات، نقض اصل تخصص، عدم تأمین هدف های مجازات، خاصه هدف سزادهی و اصلاح و مهم تر از همه، عدم اهلیت اشخاص حقوقی در اسناد تقصیر به خود، به پرسش مزبور پاسخ منفی داده اند. مورد اخیر که مهم ترین دلیل مخالفان به شمار می رود از آن روست که آنها اشخاص حقوقی را موجودهایی انتزاعی و غیر واقعی می پندارند و برای آنها مستصای روح، جسم، روح و قوه ی عاقله قائل نیستند. به زعم این گروه، رفتار مجرمانه و حالت روانی منبعث از دو اصل استقلال فردی (اختیار) و عقلانیت (ادراک) است که اشخاص حقوقی فاقد آنها هستند. به این ترتیب، مخالفان با مستغرق شدن در مفهوم فردگرایی رایج، مسؤولیت کیفری را منحصر به موجود واجد پوست، خون و اندیشه ای به نام انسان می کنند و مسؤولیت کیفری جرایم ارتكابی ناشی از فعالیت اشخاص حقوقی را متوجه اشخاص حقیقی مقصری چون مدیران آنها می کنند.¹ با این توصیف، نفی مسؤولیت

1. See: Gobert, J & Punch, M; Rethinking Corporate Crime, London: Lexis Nexis/Butterworths, 2003, P.3. and see: Israel Et Al, Jerold; White Collar Crime: Law and

کیفری اشخاص حقوقی از یک سو به معضل سازوکار انتساب مسؤولیت به این اشخاص و از سوی دیگر به مشکل ضمانت اجرای قابل اعمال به آنها خاصه نقض اصل شخصی بودن مجازات بازگشت دارد. در کنگره‌ی بین‌المللی حقوق کیفری ۱۹۲۹ در بخارست به استناد دلیل اخیر با پیشنهاد پذیرش مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی مخالفت شد. در این نشست پروفیسور رو توضیح داد که با مجازات اشخاص حقوقی، همه‌ی اعضا - چه آنها که در ارتکاب جرم شرکت داشته‌اند و چه آنها که نداشته‌اند و حتی نمی‌خواسته‌اند جرم اتفاق افتد - به کیفر می‌رسند.^۱

د. مقال، موافقان مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی بر این گمانند که می‌توان با توسل راکنش‌های چون جریمه‌ی نقدی، انحلال، تعطیلی موقت، مصادره‌ی اموال، محدود نمود، فعالیت، شغلی، خدمت اجتماعی، به ضمانت اجرای قابل اعمال بر اشخاص حقوقی دست یافت و به هدف‌های سزاگرا و پیامدگرای مجازات جامعه‌ی عمل پوشاند. اشخاص - بویژه بر پایه‌ی ریسک‌های محاسبه‌شده مرتکب جرم می‌شوند و در این خصوص بیش از اشخاص حقیقی وارد تحلیل عقلانی هزینه - فایده می‌شوند. از این رو، استفاده از ضمانت اجرای شدید - افزایش دهنده‌ی هزینه‌ی جرم خواهد توانست اشخاص حقوقی را از ارتکاب جرم منصرف کند. اصلاح و بازپروری اشخاص حقوقی نیز از ره‌گذر مراقبت قضایی بر تصمیم‌های جمع‌های عمومی، هیأت مدیره و اصلاح سیستم جرم‌زای آنها میسر خواهد بود. - ما - از بزه‌دیده، چه از حیث تشفی خاطر و چه از حیث جبران خسارت در پرتوی پذیرش مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی و استفاده از ضمانت اجرای مناسبی چون قرار - جبران خسارت و خدمت اجتماعی به وجه مطلوبی تأمین خواهد شد. در مورد نقض اصل شخصی بودن مجازات باید گفت، اولاً نباید پنداشت که سهام‌داران، همواره بی‌گناه و فاسد تفسیرند؛ بلکه بسیاری از جرایم اشخاص حقوقی ریشه در تقصیر یا دست‌کم بی‌تفاوتی آنها دارند. وانگهی، اثر غیرمستقیم ضمانت اجراها بر اشخاص ثالث، منحصر به اشخاص حقوقی نیست و در مورد اشخاص حقیقی نیز مشابه این وضعیت قابل رؤیت است. چنان‌که به

واسطه‌ی محکومیت شخص به حبس یا جزای نقدی خانواده‌ی او نیز دچار حرمان و محدودیت می‌شوند. با این وجود با پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای سنجیده و مطابحه شده‌ای چون خدمت اجتماعی یا مراقبت قضایی می‌توان از تسری آثار آن‌ها به اشخاص بی‌گناه فروکاست.^۱

در خصوص چگونگی انتساب مسؤولیت به اشخاص حقوقی، موافقان این موضوع، ساز و کارهای متعددی را فرا روی نظام‌های کیفری نهاده‌اند. اولین سازوکار مربوط به قرن نوزدهم و ناظر به مقطعی است که هنوز اشخاص حقوقی موجودهایی کاملاً فرضی شناخته می‌شدند و در جرگه‌ی اشخاص مستقل قرار نداشتند. این امر موجب شد تا گام نخست در برقراری مسؤولیت کیفری اشخاص مزبور سست و محتاطانه برداشته شود. به طوری که تنها آن دسته از اشخاص به این اشخاص نسبت داده شدند که از نوع با مسؤولیت مطلق (بویژه از ریس روانی) و مبتنی بر ترک فعل بودند. این راهکار، دست‌کم تکلیف اختلال‌های اجتماعی و مزاحمت‌های عمومی ناشی از ترک وظیفه‌ی قانونی و عرفی اشخاص حقوقی را به عهده ضمانت اجرای کیفری بودند، روشن نمود.^۲ راهکار دوم، ناظر به حل مشکل انتساب جرم مبتنی بر فعل به اشخاص حقوقی است؛ زیرا تعداد جرائمی که ناشی از رفتار اشخاص حقوقی به وقوع می‌پیوستند، به مراتب بیش از جرایم ناشی از ترک فعل آن‌ها بود. ضرورت اقتضا می‌کرد که مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی به اعمال زیان‌بار متباد آن‌ها توسعه یابد. این در حالی است که هنوز سایه‌ی تفکر فرضی بودن این اشخاص بر سر افکار و اذهان حقوق‌دانان و نظام‌های عدالت کیفری سنگینی می‌کرد. همچنان این پرسش باقی بود که چگونه می‌توان اشخاص حقوقی فاقد جسم و روح را توانا بر انجام دادن اعمال جرم دانست؟ مدافعان گسترش مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی برای خروج از این تنگنا، به مسؤولیت نیابتی متوسل شدند و اشخاص حقوقی را از طریق رفتار کارمندان خود، قادر به ارتکاب جرم دانستند. در واقع اشخاص حقوقی رکن مادی جرم را نه‌بطور مستقیم، بلکه به طور غیرمستقیم از خدمه‌ی خود عاریه گرفتند. به این ترتیب بر

۱. اردبیلی، محمد؛ حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ بیست و هشتم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲، ص ۵۷ و Gruner, Richard; Corporate Crime and Sentencing 1st ed., 1994, p.85-91.
2. Kadish, S; Encyclopedia of Crime and Justice, 1st ed, 1983, p253.

گستره‌ی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی افزوده شد. البته نسخه‌ی اولیه‌ی این راهکار ناظر به جرایم با مسئولیت مطلق بود و معضل انتساب جرایم نیازمند رکن روانی به اشخاص حقوقی را به این دلیل که آن‌ها قادر به تفکر مجرمانه نیستند و رکن معنوی عاریه بر دار نیست، لاینحل باقی گذارد.^۱

از این رو، راهکار سوم معطوف یافتن توجیه‌هایی برای انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در قبال جرایم واجد رکن معنوی شد. توجیه نخست، انتساب مستقیم مسئولیت به اشخاص حقوقی از طریق فعل‌ها و قصدهای مدیران عالی‌رتبه‌ی آن‌ها بود. این اصناف نمایندگان اشخاص حقوقی، بلکه رکن اشخاص حقوقی و جزئی لاینفک از سازمان آن‌ها توصیف شدند. آن‌ها مغزهای متفکر اشخاص حقوقی تلقی می‌شدند. مغزهایی که در قلم‌رو مدنی قصد و اراده‌ی معاملاتی می‌کنند و در قلمرو کیفری قصد و اراده‌ی مجرمانه توسعه دوم، گسترش دامنه‌ی مسئولیت نیابتی به جرایم نیازمند رکن روانی بود. این توجیه که بر مبنای اصل نمایندگی استوار است، اشخاص حقوقی را در برابر کلیه‌ی جرایم خفیف و سبکی که کارمندان این اشخاص - اعم از عالی‌رتبه یا معمولی - به حساب و در راستای منافع آن‌ها انجام می‌دهند، مسؤول می‌شناسد.^۲ با این توصیف، توجیه نخست، جلوه‌ای مضاعف و توجیه دوم، جلوه‌ای موسع از مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به نمایش می‌گذارد.

به‌رغم تفاوت‌های حاکم بر آشکال سازوکارهای فرتک اشتقاقی بودن، فصل مشترک آن‌هاست. به این معنی که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مأخوذ از مسئولیت فردی شخص حقیقی مرتکب است. بنابراین، جز از ره‌گذر انتساب اشخاص حقیقی چون مدیران و کارمندان و مسئولیت فردی آن‌ها، مسئولیتی متوجه اشخاص حقوقی نخواهد بود. ایده‌های مزبور در خصوص چگونگی انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی بزرگ که از ساختاری غیرمتمرکز، پیچیده و با قدرت توزیع‌شده برخوردارند و تحقیق‌های مقام قضایی اغلب به شناسایی فرد یا افرادی که واجد مسئولیت کامل باشند، نمی‌انجامد، فاقد راهکارند؟

موافقان توسعه‌ی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی برای فایق آمدن بر این مشکل

1. Ibid, p. 254.

2. See: Dressler, J; Cases, Material on Criminal Law, 4th ed, 2007, P. 916.

به دو راهکار متفاوت اما نزدیک به هم روی آورده‌اند: اولین راهکار که بر پایه‌ی تقصیر جمعی استوار است، از طریق ترکیب و تجمیع رفتارها، خطاها و تقصیرهای کارمندان و مدیران بخش‌های مختلف اشخاص حقوقی، به احراز مسؤولیت آن‌ها می‌پردازد. بنابراین ممکن است که رکن مادی جرم شخص حقوقی را فرد (الف) و رکن روانی آن را فرد (ب) تحقق بخشیده باشد.^۱ دومین راهکار توسل به مسؤولیت سازمانی است که متمایز از مسؤولیت فردی است و با رجوع به ساختار، خط مشی سازمانی و به طور کلی فرهنگ جرم‌زای اشخاص حقوقی بر آن‌ها تحمیل می‌شود. این مسؤولیت با عدم اتکا به نماینده، از گریز اشخاص حقوقی از مسؤولیت کیفری جلوگیری می‌کند.^۲ ضمن این که به اشخاص حقوقی این فرصت را می‌دهد تا با اثبات این که رفتار اشخاص حقیقی مغایر با سیاست و رویه‌ی آن‌ها بوده است، از تحمیل مسؤولیت بر خود جلوگیری کنند. گفتنی است هیچ‌یک از فرض‌ها و مدل‌های مذکور، مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی را مانع مسؤولیت اشخاص حقیقی مرتکب نمی‌دانند.

استحکام دلیل‌های موافقان بواز مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی، عدم تکافوی ضمانت اجرای غیر کیفری در کنار مسؤولیت‌های خطرناک و زیان‌بخش اشخاص حقوقی خاصه پس از انقلاب صنعتی و فرایند خصوصی‌سازی، شکل‌گیری این اجماع که اشخاص حقوقی از شخصیت و اهلیت پاسخ‌گویی و طرف حق و تکلیف واقع‌شدن، حتی در حقوق کیفری برخوردارند و تمایل شدید فکار عالم می‌به مجازات آن‌ها، موجب گردید تا نظام‌های کیفری کشورهای مختلف یکی به سوی دیگری نسبت به پذیرش مسؤولیت کیفری اشخاص مزبور اقدام کنند. نظام کیفری پاکستان از جمله نظام‌هایی است که بر پایه‌ی واقعیت‌های مذکور مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی را در قرن نوزدهم و در شکل مضیق مورد پذیرش قرار داد و به تدریج بر کستره‌ی آن افزود. از پذیرش این مسؤولیت در قبال جرایم با مسؤولیت مطلق تا توسعه‌ی آن جرایم

1. Gruner, R. S; op.Cit, PP.263-267.

2. Robinson, A.A; Corporate Culture as a Basis for the Criminal Liability of Corporation, Paper prepared for the use of the United Nation Special Representative of the Secretary General for Business and Human Rights (UNASSG), available at:

http://198.170.85.29/Allens-Arthur-Robinson-Corporate-Culture-paper-for-Ruggie-Feb-2008.pdf, 2008, p.68.

نیازمند رکن روانی. از مسؤولیت غیرمستقیم تا مسؤولیت مستقیم و از مسؤولیت اشتقاقی تا مسؤولیت غیراشتقاقی، روند رو به رشدی است که در این سیستم طی شده است.^۱ در خصوص ضمانت اجرای کیفری نیز جزای نقدی محوری‌ترین ضمانت اجرایی است که در نظام مزبور برای اشخاص حقوقی در نظر گرفته شده است. علاوه بر آن، از ضمانت اجرای چون انتشار حکم محکومیت و اصلاح وضعیت جرم‌زا و مراقبت قضایی نیز بهره گرفته شده است.

نظام کیفری ایران به موجب ماده‌ی (۱۴۳) قانون مجازات اسلامی، مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی را به طور عام و فراگیر مورد پذیرش قرار داده است و آن‌ها را از طریق بنابر مجرمانه‌ی نمایندگانشان مسؤل شناخته است. همچنین در ماده‌های (۲۰) تا (۲۲) به موضوع ضمانت اجرای قابل اعمال بر این اشخاص پرداخته شده است. تصریح به ضمانت اجرای مثل انحلال، مصادره‌ی اموال، جزای نقدی، ممنوعیت از فعالیت شغلی، ممنوعیت از صادر کردن سندهای تجاری و انتشار حکم محکومیت، نشان از اعتقاد قانون‌گذار به تنوع ضمانت اجرای جرایم اشخاص حقوقی دارد. مسبوق به سابقه بودن مسؤولیت مورد بحث در حقوق کبری انگلستان و نو ظهور بودن این مهم در حقوق کیفری ایران - به صورت یک ناعده - فرصت مناسبی را برای مطالعه‌ی تطبیقی دو نظام فراهم آورد تا از این ره‌گذار نقاط قوت و ضعف هر یک، به ویژه نظام کیفری ایران استخراج شود. در این تحقیق، پس از تشریح چارچوب مفهومی موضوع، تحولات تاریخی، دیدگاه‌ها و استدلال‌های مخالفان و موافقان مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی، سازوکارهای انتساب و ضمانت اجرای کیفری قابل اعمال بر اشخاص حقوقی در دو نظام مزبور، توصیف و تحلیل خواهند شد. با توجه به این گفته‌ها پرسش‌های اساسی تحقیق عبارت خواهند بود از:

۱. مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی بر چه توجیه یا توجیه‌هایی مبتنی است؟
- انتساب مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران و انگلستان بر چه نظریه‌ای (سازوکار انتساب) استوار است؟
- بزه‌های قابل انتساب به اشخاص حقوقی محدود به

1. See: Wells, C; Corporate Criminal liability in England and Wales: Past, Present and Future, in: Pieth, Mark & Ivory, Radha; Corporate Criminal liability: Emergence, Convergence and Risk, 2011, pp.91-110.

بزه‌های غیر عمدی است یا کلیه بزه‌های عمدی و غیر عمدی را شامل می‌شود؟^۴ ضمانت اجرای قابل اعمال بر اشخاص حقوقی کدامند و کدامین هدف یا هدف‌های مجازات را تأمین می‌کنند؟^۵ خلاءهای حاکم بر قانون مجازات اسلامی در زمینه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی کدامند؟ در برابر می‌توان پاسخ‌های مقدماتی یا همانا فرضیه‌های تحقیق را بدین‌گونه بیان کرد که: ۱. دشواری شناسایی فرد مقصر، افزایش ضریب دقت شرکا و سهام‌داران در انتخاب مدیران و بازرسان، ضرورت اجتماعی، مشابهت تحلیل‌ها با قواعد حقوق مدنی، آگاه‌سازی اشخاص ثالث، از جمله توجیه‌های،^۶ سؤالی کیفری اشخاص حقوقی به شمار می‌روند.^۲ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بر پایه نظریه واحدی استوار نیست. اما به نظر می‌رسد در حقوق ایران، نظریه نمایندگی به ترین نقش را در توجیه این مسئولیت دارد. در حقوق انگلستان نیز در مراحل اولیه پذیرش مسئولیت کیفری، از این نظریه پیروی نموده است، اما در سال‌های بعد نظریه دیگری همچون شخصیت ثانوی و مسئولیت سازمانی مورد پذیرش قرار گرفته است.^۳ در حقوق ایران و انگلستان، عموم جرایم عمدی و غیر عمدی قابل ارتکاب است. اشخاص حقیقی از سوی اشخاص حقوقی نیز قابل ارتکاب هستند، جز آن دسته از جرایم مخصوص ذات انسان است.

۴. طیف وسیعی از ضمانت اجرای کیفری از جمله جزای نقدی، مصادره اموال، انحلال، تعطیلی موقت، ممنوعیت از برخی فعالیت‌های شغل و حرفه‌ای، ممنوعیت از معامله با دولت، ممنوعیت از صدور چک، خدمت اجتماعی، اوراق قضایی و انتشار حکم محکومیت قابل اعمال بر اشخاص حقوقی می‌باشند و از آن‌ها، کلیه هدف‌های سزاگرا و پیامدگرای مجازات تحقق می‌یابند.^۵ قانون مجازات اسلامی در زمینه پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی با کاستی‌هایی از قبیل شخص ننمودن مفهوم نماینده قانونی، عدم استفاده از مدل سازمانی، عدم پیش‌بینی برخی از ضمانت اجرای تأثیرگذاری همچون خدمت اجتماعی، الزام به اصلاح وضعیت جرم‌زا و ممنوعیت از معامله با دولت مواجه است.

این پژوهش از ره‌گذر کنکاش در موضوع خود و پاسخ به پرسش‌هایی از این دست، در تلاش خواهد بود تا به هدف‌های بنیادی چون تبیین ضرورت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مطالعه تاریخی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران

و انگلستان، تبیین سازوکارهای انتساب مسؤولیت کیفری به اشخاص حقوقی در پرتوی مطالعه‌ی تطبیقی به منظور دستیابی به سازوکاری کم‌نقص، بررسی ضمانت اجرای قابل اعمال بر اشخاص حقوقی و مذاقه در چگونگی، تحقق هدف‌های مجازات، تحلیل قانون مجازات اسلامی در حوزه‌ی مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی و احراز نقطه‌های قوت و ضعف آن دست یافته و آورده‌ی خود را در اختیار قانون‌گذار به جهت آگاهیدن او نسبت به خلاءها و نقص‌های احکام ناظر به مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی قرار دهد. چه، اقدام قانون‌گذار در پیش‌بینی مسؤولیت مورد اشاره، به رغم در خور بودن، حاوی کاستی‌های عدیده‌ای چه در حوزه‌ی انتساب مسؤولیت - به جهت تک‌بعدی بودن و چه در حوزه‌ی ضمانت اجرای کیفری - از حیث کیفی و کمی - است که بر پایه‌ی این تحقیق آثار و مورد نقد قرار می‌گیرد. به علاوه، ثمره‌ی این تحقیق دادگاه‌ها را که با نهاد نهادهای مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی مواجه خواهند بود، در درک هرچه بهتر موضوع به صورت فرآیند انتساب و برگزیدن ضمانت اجرای مناسب با شخص حقوقی متخلف تفسیر و آیینانه از قانون در مقام تمییز حق یاری خواهد نمود. سرانجام، امید می‌رود، یافته‌های این پژوهش‌گران، محققان و دانشگاهیان نیز در تعمق بیشتر در این حوزه مفید، آن‌ها را در تکمیل بحث‌هایی که در این نوشتار فرصت پردازش به آن‌ها به طور متوسط میسر نگشت؛ از جمله آیین دادرسی کیفری جرایم اشخاص حقوقی راغب سازد.

شاید خالی از اهمیت نباشد که در این مجال و قبل از ورود به بحث‌های تفصیلی مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی، به پیشینه‌ی تحقیق و جستجایی که در این راستا صورت گرفته اشاره و بیان شود: این موضوع از دیر باز همواره سطح نظر محققان و پژوهش‌گران امر قرار داشته و در کل مسبوق به سابقه است. اما نکته آن است که آثار به جای مانده اغلب ناظر به قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲/۲/۱ و پیش‌بینی مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی به صورت عام در نظام کیفری ایران است. به عنوان مثال، تحقیق ارزشمندی که از سوی دکتر وحید اشتیاق در سال ۱۳۸۵ انجام یافته، معطوف به بررسی مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی به عنوان یک موضوع کلی است. در این تحقیق، اهمیت شخصیت حقوقی در قلمروی کیفری و دیدگاه‌های موافقان و مخالفان مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی به رشته‌ی تحریر در آمده است. اثبات عدم